خبر

«لوپتو» راهی بولیوی می‌شود

انیمیشن سینمایی «لوپتو» در سومین حضور جهانی خود در هشتمین جشنواره فیلم سیه‌را کشور بولیوی حضور خواهد داشت.

انیمیشن سینمایی لوپتو به کارگردانی عباس عسکری و تهیه‌کنندگی محمدحسین صادقی و احسان کاوه، محصول مرکز انیمیشن سوره به بخش رقابتی هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم سیه‌را راه یافت.

این جشنواره که از دوم دسامبر (یازدهم آذر) کار خود را در شهر سانتاکروز کشور بولیوی آغاز کرد تا چهارم دسامبر (سیزدهم آذر) ادامه دارد.

لوپتو که هم اکنون در سینماهای سراسر کشور در حال اکران است و این روزها در اکران‌های ویژه پنجاه و دومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم رشد هم برای دانش‌آموزان به نمایش درمی‌آید با تکنیک سه‌بعدی و برگرفته از قصه و فضایی کاملا ایرانی در استودیوی فراسوی ابعاد، توسط هنرمندان جوان کرمانی تولید شده است.

این انیمیشن در طول یک ماه اکران خود با استقبال کودکان و خانواده‌ها توانسته صدرنشین گیشه ماهانه سینماهای ایران شود و هم‌اکنون با جذب ۲۴۰ هزار مخاطب، در مرز فروش شش میلیارد تومانی قرار دارد. پخش جهانی این انیمیشن برعهده مرکز بین‌الملل سوره است. / جام جم

ایستگاه نقد

نگاهی به فیلم «سگ‌بند» ساخته مهران احمدی

معلق در دوراهی کمدی و درام

علی رحیمی
فرهنگ و هنر

این‌که مهران احمدی در دومین کارگردانی خود توانست عنوان دومین فیلم پرفروش سال و چهارمین فیلم پرفروش تاریخ سینمای ایران را به خود اختصاص دهد شاید در نگاه اول ماحصل شناخت او از ذائقه مردم به‌نظر آید اما این رکورد فقط دو دلیل دارد: حضور بازیگران کمدی مشهور و بلیت‌های گران‌قیمت‌تر.

«سگ‌بند» گرچه از ۲۵ اسفند ۱۴۰۰ تا آخر آبان ۱۴۰۱ با در اختیار گرفتن ۵۰۷ سالن سینما و بیش از ۴۴ هزار و ۸۰۵ سئانس نمایش، حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار مخاطب جذب کرد و به آمار ۴۱۵ میلیارد ریال فروش رسید و به‌عبارتی در گیشه موفق بود اما در مقایسه با آثاری همچون عقاب‌ها، افعی، اخراجی‌ها، هزارپا و... بی‌شک مخاطب پسند نبود. دلیل این امر نیز در وهله اول به ضعف داستان‌پردازی برمی‌گردد.

فیلم براساس یکی از فنون کشتی پهلوانی به همین نام نوشته شده است. داستان درباره دو برادر به نام‌های فرزین و فرزاد است. آنها پس از مرگ پدرشان دچار بدهی‌های سنگین می‌شوند و تصمیم می‌گیرند برای به‌دست آوردن پول به سمت خلاف بروند. برای این منظور به پیشنهاد دوست فردین، به ارمنستان می‌روند و در این مسیر، دچار چالش‌های زیادی می‌شوند و کمدی و درام داستان براساس آن شکل می‌گیرد.

نویسنده در این فیلم تلاش می‌کند با عاریه گرفتن از مرام اخلاقی پهلوانان زورخانه، در یک فضای کمدی، فرهنگ عیاران و جوانمردان را که جای‌شان در این روزگار بسیار خالی است به مخاطب یادآوری کند به‌همین دلیل هم از درون‌مایه طنز سبک و لودگی‌هایی که از همان ابتدا در دل کش‌مکش‌های بین دو برادر و برادر کوچک‌تر با خواهر نهفته است، خیلی زود تغییر مسیر می‌دهد و در میانه داستان روایتی جدی‌تر را در برابر تماشاگر قرار داده است.

او تلاش دارد با تعلیق‌هایی که بر داستان وارد می‌کند به سمت کمدی انتقادی با چاشنی فرهنگ اخلاقی حرکت کند و به سختی ساده‌تر ثروت و فقر، خنده و گریه و غم و شادی را با هم داشته باشد اما مشکل اینجاست که سوژه بین کمدی و درام در تعلیق است حتی اگر وزنه کمدی بر درام بیشتر باشد. به‌عبارتی او تکلیفش با خودش مشخص نیست که آیا می‌خواهد فیلم کمدی بسازد یا اخلاق‌گرا؛ به همین دلیل هم در تلاش برای ساخت یک کمدی اخلاق‌گراست که البته این ترکیب حداقل در سگ‌بند جواب نداده است!

ما در سگ‌بند با یک داستان معمولی روبه‌روییم که بیش از آن‌که از کارگردانی و بازی آسیب ببیند، از فیلمنامه آسیب دیده است و اگر وجوه خلاقانه در موقعیت‌های مختلف داستانی آن متبلور می‌شد، می‌توانست این اثر را از یک فیلم عامه‌پسند سبک به یک کمدی جدی ارتقا دهد.

فیلمساز هم تلاش دارد این ضعف داستان‌پردازی را با بهره‌گیری از بازیگران کمدی مطرح، استفاده از بداهه در روایت، شوخی‌نویسی کوچه و خیابانی و فضاسازی محیطی بپوشاند هرچند در این امر هم چندان موفق نیست و نمی‌تواند آن‌گونه که باید به یک کمدی آموزنده نزدیک شود تا در نهایت سگ‌بند در سطح یک اثر عامه‌پسند بماند.

مسعود اطیابی، کارگردان فیلم «بخارست» در گفت‌وگو با «جام جم»:

متاسفانه مسئولان فیلم کمدی نمی‌بینند

سانازقنبری
گروه فرهنگ و هنر

دیگر کمتر کسی است که مسعود اطیابی را در سینمای ایران نشناسد. فیلم‌های به‌اصطلاح بفروش او همچون «انفرادی»، «تگزاس ۱ و ۲» و «دینامیت» بارها توانسته رونقی دوباره به گیشه سینماها ببخشد. البته فعالیت‌های اطیابی صرفا محدود به حوزه سینما نمی‌شود و در تلویزیون هم با سریال‌های «سهمی برای دوست» و «کامیون» توانست مورد توجه مخاطبان قرار بگیرد. فیلم سینمایی «بخارست» آخرین اثر او، مدتی است روی پرده سینماها رفته؛ فیلمی روایتگر داستان دو برادر با نام‌های جلال (با بازی حسین یاری) و جلیل (با بازی پژمان جمشیدی) است که توسط ماموران امنیتی بازداشت شده‌اند و در ادامه اتفاق‌های جالبی برای‌شان رقم می‌خورد. با او در جام‌جم درباره فیلم بخارست و همچنین راز موفقیت فیلم اخیرش در گیشه خاموش این روزهای سینما گفت‌وگو کرده‌ایم.

با توجه به این‌که در کارنامه شما فیلم کمدی وجود دارد، در ابتدای بحث بد نیست تعریفی از سینمای کمدی ارائه دهید؟

در ایران مدت‌هاست که قواعد ژانر رعایت نمی‌شود. این مسأله البته محدود به ایران نیست و در تمام دنیا به همین شکل است. مؤلفه‌های ژانر در تمام دنیا شکسته شده و دیگر نمی‌توان سینما را براساس ژانر طبقه‌بندی کرد. درباره ژانر کمدی هم در هر عرصه‌ای (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و...) می‌توان از دو منظر به آن نگاه کرد. از یک‌سو با زبان کمدی می‌توان مشکلات را نوعی گفت که به قول معروف زهر آن گرفته شود و از سوی دیگر فیلم‌های کمدی باعث تقویت نشاط عمومی در جامعه می‌شود. در جامعه اگر کسالت و خمودگی باشد نشاط اجتماعی و روحیه مردم برای کار و زندگی کاهش می‌یابد. بنابراین کمدی نیاز جامعه است. البته مسئولان باید سینما و فیلم دیدن را در راس امور قرار دهند؛ کاری که عموما انجام نمی‌دهند. یعنی ما در سینما با زبانی به بیان مشکلات می‌پردازیم اما باید گوش‌های شنوایی برای حل این مشکلات داشته باشند که آثار ما را ببینند و به آن فکر کنند ولی متاسفانه مسئولان غالبا اصلا فیلم کمدی نمی‌بینند. به همین دلیل عموما فیلم‌های کمدی، اجتماعی و... که حرفی برای گفتن دارند، کارایی‌شان را از دست می‌دهند. مردم می‌توانند در سالن سینما بخندند اما به مضامین آن فکر هم بکنند. چرا در بخارست حرف از قاچاق دارو می‌شود؟ آیا مسئولان به این معضل فکر می‌کنند؟ بحران دارو که در بخارست به آن اشاره شده اگر حل نشود چه عواقبی برای کشورمان به همراه دارد؟

فیلم بخارست را دقیقا براساس تعاریفی که ارائه دادید، ساختید؟

من در جایگاه فیلمساز اگر بتوانم دو ساعت مردم را شاد کنم، گام بزرگی برداشته‌ام. خانواده‌های پرمشغله امروزی را دو ساعت کنار هم نشاندن به خودی خود دستاورد مثبتی است و اگر چنین اتفاقی محقق شد درمرحله بعد می‌توان به مفاهیمی که یک فیلم باید به مخاطب ارائه دهد، فکر کرد. متاسفانه سینمای ما، امروز درگیر یکی دو رای داوری در جشنواره‌های جهانی است و این نگاه به ما لطمه می‌زند. از نظر من فیلمی که آحاد مردم را کنار هم جمع و ایجاد نشاط اجتماعی کند، فیلم خوبی است.

بعد از دیدن این فیلم این سؤال برایم به وجود آمد که شما چقدر راش گرفتید؟

زیاد نبود. فیلمبرداری ما ۳۵ جلسه بیشتر نبود؛ ضمن این‌که برای ساخت بخارست به لحاظ زمانی محدودیت‌های زیادی داشتیم. بازیگر اصلی‌مان، پژمان جمشیدی کار دیگری هم داشت و ما بیشتر از یک ماه نمی‌توانستیم از ایشان استفاده کنیم؛ ضمن این‌که همان روزهای فیلمبرداری ساعت ۵-۴ بعد از ظهر نمایشی روی صحنه داشت و ما تعهد داده بودیم فیلمبرداری فیلم تداخلی به ساعت بازی‌شان در تئاتر نداشته باشد. بنابراین برعکس دو، سه فیلم قبلی‌ام با محدودیت و حساب‌شده فیلمبرداری انجام شد.

موقع انتخاب بازیگر خیلی به گیشه فکر کردید؟

فکر کردن به گیشه در مؤلفه‌های اولیه ساخت فیلم کمدی است. گیشه پررونق منوط به فاکتورهای بسیاری است که یکی از آنها انتخاب بازیگر مناسب نقش مربوط است. در واقع انتخاب بازیگرهای مناسب یکی از المان‌های بصری برای ایجاد جذابیت یک فیلم است. قطعا اگر بدانم بدون حضور فلان بازیگر از جذابیت فیلمم کاسته می‌شود و آن بازیگر به‌هر دلیلی جلوی دوربینم نیاید، ساخت آن فیلم را منتفی می‌کنم؛ کما این‌که بارها این کار را انجام دادم. اگر فیلمی ساخته شود اما مخاطب جذب نکند به چه دردی می‌خورد؟ دخل و خرج یک فیلم تجاری باید با هم جور دربیاید.

پژمان جمشیدی دیگر به قول معروف پای ثابت فیلم‌های شما شده. از تجربیات او چقدر در حین فیلمبرداری و خاصه در بخارست استفاده کردید؟

زیاد؛ ما درک متقابلی از هم داریم. من به‌خوبی با ظرفیت‌های پژمان آشنا هستم و او بی‌تعصب با یک پروژه همراهی می‌کند. او بازیگر بسیار مطرحی است که توانمندی‌اش را در ژانرهای مختلف ثابت کرده. البته حسین یاری، هادی کاظمی، ایمان صفا و هر بازیگری اگر ایده‌های خوبی داشته باشند که به پروژه کمک کند حتما به آن گوش می‌دهم. به‌عنوان هماهنگ‌کننده، تک‌تک ایده‌ها را می‌شنوم و بین آنها هماهنگی و آن را اعمال می‌کنم. در مجموع در پشت‌صحنه فیلم‌هایم ارتباط خوبی برقرار است. با بازیگرانم بسیار راحت هستم. خواسته‌هایم را با آنها در یکی-دو جلسه تمرین مطرح می‌کنم و آنها در جهت این خواسته‌ها اگر بداهه‌ای هم در حین فیلمبرداری داشته باشند، بیان می‌کنند. تاکید می‌کنم با بداهه‌گویی اگر در جهت برطرف کردن خواسته‌های فیلم باشد، مشکلی ندارم؛ چون اگر قرار باشد بازیگر هر آنچه بخواهد را به‌عنوان بداهه بگوید که از هم‌گسیختگی در روند کار به‌وجود می‌آید. بداهه باید در جهت قصه باشد.

> **متاسفانه سینمای ما امروز درگیر یکی، دو رای داوری در جشنواره‌های جهانی است و این نگاه به ما لطمه می‌زند**

به‌نظر می‌آید در فیلم‌های‌تان تلاش می‌کنید با زبانی طنز، تصویرگر برخی از معضلات جامعه از منظری متفاوت باشید. مشکلاتی که به‌طور جدی جامعه ایرانی معاصر را تهدید می‌کند. چقدر روی لایه‌های محتوایی فیلم تمرکز می‌کنید؟

زیاد. با نگاهی به تحلیل‌ها، اخبار، فضای واقعی، مجازی و... مفاهیمی را در لابه‌لای فیلم‌هایم می‌گنجانم. خواه‌ناخواه جامعه ما همیشه با مسائل سیاسی عجین است و اتفاقا یکی از نقدهایم این است که آن‌قدر مردم را در سیاست دخیل کردیم که آنها در هر شغل و جایگاهی که باشند به سیاست فکر می‌کنند.

با توجه به حاشیه‌هایی که تاکنون برای برخی از فیلم‌های در حال اکران پیش آمده و همچنین شرایط جامعه، آیا این نگرانی را نداشتید که برای فیلم‌تان مشکلی پیش بیاید؟

اگر گفتمان‌مان با جریانات مختلف اجتماعی توام با احترام باشد قطعا مشکل کمتری به‌وجود می‌آید. ما هم در روزهای نخست اکران بخارست اقدامی برای تبلیغ فیلم انجام ندادیم. به هیچ طرف و جناحی کاری ندارم اما هر هموطنی که در جریانات اخیر آسیب‌دیده ایرانی است و باید به آن رسیدگی شود. در این بین انسان‌هایی بی‌گناه از بین رفتند که تلخی رفتن‌شان برای هیچ‌کدام از ما فراموش‌شدنی نیست. ما هم تبلیغی برای فیلم‌مان نداشتیم و هیچ دیدگاهی از جامعه را مورد تمسخر و نقد قرار ندادیم که مردم به نوعی آزرده‌خاطر نشوند. با احترام کامل به تمام ایرانیان، بخارست را اکران کردیم.

به‌عنوان کارگردان بخارست، خطاب به مخاطبان چه چیزی می‌گویید تا تشویق شوند و پای تماشای فیلم شما بنشینند؟

به مردم می‌گویم که شادابی و نشاط حق شماست. کاری که از دست ما برمی‌آمد این بود که با ساخت این فیلم، زمینه را برای دو ساعت کنار هم بودن و نشاط شما فراهم کردیم. امیدوارم هر چه زودتر آرامش بر جامعه بنشیند. به هرحال چرخه اقتصادی سینما باید بچرخد، چرا که رونق سالن‌های سینما سبب اشتغالزایی بسیاری از مردم می‌شود.

این اتفاق البته چندان مطلوب نیست. از نظر من مبنای سیاست باید بر این باشد که به خصوص زمانی که مشغول کار تخصصی‌مان هستیم به اخبار آزاردهنده فکر نکنیم. من هم سعی می‌کنم برخی از کاستی‌های اجتماعی را تا حدی غیرآزاردهنده در فیلم‌هایم بیان کنم. موافق نیستم که التهابات جامعه را به‌صورت گل درشت (که نه تنها فایده‌ای ندارد که بار منفی هم به همراه دارد) در فیلم‌هایم به نمایش بگذارم. به معضلات و کاستی‌های موجود در جامعه باید به شکلی ظریف پرداخت.

مکث

بخارست؛ نقدی بر بحران دنباله‌دار کمبود دارو

کمبود دارو در کشور ما تبدیل به بحران شده و مربوط به این دولت و آن دولت هم نمی‌شود. آنچه در لایه‌های زیرین فیلم بخارست روایت می‌شود، آسیبی است که به‌دلیل عوامل مختلفی نظیر احتکار دارو و کاهش خط تولید رخ داده. البته احتمال دیگری هم مطرح است؛ برخی معتقدند مواد اولیه مانده در گمرک یکی از پشت‌پرده‌های کمبود دارو باشد؛ در حالی‌که تلاش دولت بر این است که با کاهش یک درصدی مالیات بر ارزش افزوده واردات مواد اولیه دارویی، موضوع مالیات بر ارزش‌افزوده برای ترخیص مواد دارویی از گمرک حل و فصل شود اما یکی از جالب‌ترین نکات داستانی بخارست همین است که با طرح چنین موضوع دردآوری، شوخی‌هایش را به‌شکلی در کل فیلم توزیع می‌کند که فیلم دچار افت و رکود نشود و تماشاگر با لذت خط داستانی فیلم را تا انتها دنبال کند.

ویژگی دیگری که باعث جذاب‌تر شدن فیلم می‌شود شخصیت‌های رنگارنگ و بامزه‌ای است که در کنار زوج اصلی داستان قرار گرفته‌اند. پدر بی‌خیال و عاشق کباب جلال و جلیل، رحیم لات، مشنگ و خشن فیلم (با بازی ایمان صفا)، مامور اطلاعات (با بازی وحید آقاپور)، سینای آدمکش مثلا حرفه‌ای (با بازی هادی کاظمی) و حتی پدر عابد و مشاورش کامل (با بازی بابک کریمی و رضا بهبودی) مجموع شخصیت‌های فیلم هستند. این کاراکترها باعث شده‌اند تا داستان ساده فیلم هرچه جذاب‌تر روایت شود.

روزنما

اراده پیروزمندانه

علی رستگار: خیلی از توان‌یابان جمله «معلولیت، محدودیت نیست» را در عمل نشان می‌دهند و کاری می‌کنند که بسیاری از افراد سالم و دور از معلولیت نمی‌توانند آن را به انجام برسانند. چه خوب که سینما چشمه‌ای از عزم و اراده و «خواستن، توانستن است» توان‌یابان را در قالب قصه‌هایی دراماتیک و تاثیرگذار به تصویر می‌کشد از «فارست گامپ» که با بهره هوشی پایین‌تر از هم‌سن و سالانش بتدریج آن روی سکه توانایی‌هایش را نشان می‌دهد تا «نظریه همه‌چیز» که استیون هاوکینگ باوجود بیماری نادر عصبی با معلومات و دانش، معلولیتش را دور می‌زند. سینمای ایران اگرچه هرازگاهی سراغ معلولان و توان‌یابان می‌رود اما بیشتر روی وجوه احساسی ماجرا تمرکز می‌کند و کمتر فیلمی درباره مقابله پیروزمندانه این افراد ساخته است. در این زمینه شاید فیلمی مثل «رابطه» که داستان غلبه بر ناتوانی را تعریف می‌کند، جزو استثنائات باشد.

فستیوال

موفقیت «برگشت‌ناپذیر» در جشنواره روسیه

انیمیشن «برگشت‌ناپذیر» به کارگردانی شیدا کاشی توانست عنوان بهترین انیمیشن جشنواره «فرشته تابناک» روسیه را از آن خود کند. جشنواره بین‌المللی فرشته تابناک روسیه رویدادی است که با تمرکز ویژه بر مخاطبان خانوادگی به‌ویژه کودکان و نوجوانان، در شهر مسکو برگزار می‌شود. در نوزدهمین دوره برگزاری این جشنواره که بیش از ۱۳۰ فیلم از حدود ۲۰ کشور دنیا حضور داشتند، انیمیشن برگشت‌ناپذیر به کارگردانی شیدا کاشی از ایران به‌عنوان بهترین انیمیشن انتخاب شد. برگشت‌ناپذیر در مدت زمان هشت دقیقه و با تکنیک دوبعدی ساخته شده و از تولیدات مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی است. در خلاصه داستان این اثر آمده است: «کشوری، سال‌ها پیش در جنگ شکست خورده و اشغال شده است. اشغالگران همه چیز را از جمله زبان، نشانه‌ها، یادگارها و... از بین برده‌اند. در این میان تنها یک بازمانده از مردم پیشین آن کشور باقی مانده؛ کسی که ۳۷ سال برای بازیافتن از دست رفته‌ها جنگیده است و حالا در این جنگ احساس شکست می‌کند.»

برخی عوامل این انیمیشن عبارتند از طراح استوری برد: شهریار بیرانوند، طراح بک‌گراند: مرضیه عرفان منش، موسیقی: حمید پاکدل، صداگذاری: حمید پاکدل و پوریا رحیمیان و طراح کاراکتر: ابوالفضل برومندی. /مهر

نمای نزدیک

ساخت فیلم زندگینامه‌ای بروس لی

همین چند روز پیش بود که خبری درباره علت مرگ بروس لی، بازیگر فقید و مشهور فیلم‌های رزمی منتشر و مشخص شد که نوشیدن بیش از حد آب، باعث مرگ این ستاره سینما شده است. حالا در تازه‌ترین خبر مرتبط با بروس لی، ورایتی اعلام کرده است آنگ لی، کارگردان تایوانی تبار برنده اسکار و سازنده فیلم‌هایی چون زندگی پی و ببر خیزان اژدهای پنهان، قصد دارد فیلم زندگی بروس لی را بسازد. نکته جالب دیگر این‌که قرار است میسون لی، پسر آنگ لی در نقش بروس لی جلوی دوربین برود. مراحل اولیه ساخت این فیلم در «۳۰۰۰ پیکچرز» متعلق به سونی شروع شده است. آنگ لی از بروس لی به عنوان فردی یاد کرد که به عنوان پلی بین شرق و غرب عمل کرد و کونگ‌فوی چینی را به جهان شناساند. او درباره دلیل این اقدام خود نوشت: احساس می‌کنم باید داستان این انسان درخشان و یگانه را بگوییم؛ کسی که در قالب بدنی کمتر از ۷۰ کیلو، قدرتی فوق‌العاده داشت و با تلاشی خستگی‌ناپذیر رویایی غیرممکن را به واقعیت بدل کرد. /مهر